





Textology of the Dastoor al Insha (Sahayef al Latayef) of Samarqandi

  Sayed Amir Jahadi Hoseyni¹

Submitted: 2024-09-28 Revised: 2024-10-25 Accepted: 2024-10-31 Published: 2025-09-23 pp.78-106

Abstract

Among the advanced sources that have not been known and examined so far, it should be mentioned Dastoor al Insha or Sahayef al Lataif Abdul Razzaq Samarqandi. Samarqandi is one of the historians, secretaries and nobles of Shahrukh's court in the Timurid era, and the work of the respected Matla e Saadin on the history of that era is one of his works. His works have many values in terms of old writing and essay styles as well as prose style and historical information. In this article, which has been done using qualitative content analysis and description, the writer intends to examine and evaluate the content and structure of the work from the perspective of textology. The findings of the research show that the origins of Samarqandi consist of two separate and distinct parts. The first part, which is called the Dastoor al Insha, presents and explains the theoretical foundations and principles of court writing and transmission in a detailed plan. In this section, the characteristics of speech in terms of delivery and rhetoric have been examined. Also, the characteristics of the scribe and the textual structures of the manuscripts and some customs related to writing, calligraphy and paper are also discussed. In the second part, Samarqandi, by quoting samples of Diwani and Soltani's letters, has shown both the art of secretarial writing and has drawn practical models for the secretaries and the audience.

Key words: Abdul Razzaq Samarqandi, Dastoor Al-Insha, Sahayef al Latayef, Epistolary, Essay.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1 - Associate Professor of Persian Language and Literature , Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.



References:

- 'Abdī Beyk Shirazī, Khawajeh Zeyn Al - 'Abedin 'Alī, Takmelat-al Akhbār, Revised by 'Abd- al Ḥossein Navā'ī, Tehran, Nashr-e Ney, 1369 SH/ 1991.
- Afshār, Īraj, 'Ālamārāy-e Shāh Ṭahmāsb, Donyā-ye Ketāb, Tehran, 1370 SH/ 1992.
- Anousheh, Ḥassan, Farhangnāmeḥ-e Adabī-e Īrān, Dāneshnāmeḥ-e Adab-e Fārsī, Gozideh-e Eṣṭelāḥāt, Mazāmin va Mouzouāt Adab-e Fārsī, Second Edition, Farhang va Ershād-e Eslāmī, Tehran, 1381 SH/ 2003.
- Bartold, Vasily Vladimirovich, Torkestān Nāmeḥ, trans. Karim Keshāvarz, Tehran, Āgāh, 1366 SH/ 1988.
- Dehkhodā, 'Alī Akbar, Loghat Nāmeḥ Dehkhodā, Second Edition, Tehran University, Tehran, 1377 SH/ 1999.
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou Al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām, Al- Kāmel fī Al-Tāriḵh, Dār Al- Ṣādir, Beirut, 1385A.H/ 1965.
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou-al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām , Tāriḵh-e Kāmel-e Bozorg-e Eslām va Īrān, trans. 'Abbās Khalīlī va Abou- al Qāsem Ḥālat, Moasseseh Maṭbouātī 'Elmī, 1371 SH/ 1993.
- Fotouḥī, Maḥmoud, Sabkshenāsī-e Nazariye'hā, Rouykard'hā va Ravesh'hā, First Edition, Sokhan, Tehran, 1391 SH/ 2013.
- Golchin Ma'anī, Aḥmad, Tāriḵh-e Tazkere'hāye Fārsī, Second Edition, Ketābkhāneh Sanāeī, Tehran, 1363 SH/ 1985.
- Ḥosseini Esterābādī, Ḥassan, Az Sheykh Ṣafī tā Shāh Ṣafī, Tāriḵh-e Solṭānī, Corrected by Eḥsān Eshrāqī, 'Elmī, Tehran, 1364 SH/ 1986.
- Ḥosseini Rāzī, Mir Ḥeydar Ebn-e 'Alī Ebn-e Maḥmoud, Tāriḵh-e Ḥeydarī, Staatsbibliothek zu Berlin, Ms. Orient. Fol. 17. 2 Volumes A & B.
- Navā'ī, 'Abd- al Ḥossein, Asnād va Mokātebāt-e Tāriḵhī Az Teymour Shāh ta Shāh Esmā'īl, Tehran, Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī, 1370 SH/ 1992.
- Rāvandī, Morteżā, Tāriḵh-e Ejtemā' eī-e Īrān, Second Edition, Tehran, Negāh, 1382 SH/ 2004.
- Romlou, Ḥassan, Aḥsan-al Tavāriḵh, Revised by Navā'ī, 'Abd- al Ḥossein, Tehran, Bābak, 1357 SH/ 1979.
- Ṣafā, Zabīḥ Allah, Tāriḵh Adabiyāt dar Īrān, Ferdows, Tehran, 1378 SH/ 2000.
- Shirvanī, Zeyn Al - 'Abedin, Bostān Al- Siyāḥeh, Sanāeī, Tehran, ND.
- Ṭabarī, Moḥammad 'Alī, Zobdat-al Āṣār, Tehran, Amir Kabir, 1372 SH/ 1994.
- Tatabā, Qāzī Aḥmad, Āṣef, Qazvinī, Edited by Golām Reżā Ṭabāṭabāeī, First Edition, Tehran, Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī, 1382 SH/ 2004.



Studies

Original Paper

Report and Review

- Torkamān, Eskandar Beyk Monshī, Tārikh-e ‘Ālamārāy-e ‘Abbāsī. Edited by Moḥammad Esmā‘īl Rezvānī, Tehran, Donyā-e Ketāb, 1370 SH/ 1992.



doi متن‌شناسی دستورالانشاء (صحایف اللطایف) سمرقندی

سید امیر جهادی حسینی^۱

از صفحه ۷۸ تا صفحه ۱۰۶ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

چکیده

دستورالانشاء یا صحایف اللطایف عبدالرزاق سمرقندی در شمار مجموعه منشآت کهنی است که تا کنون شناخته و از منظر متن‌شناسی بررسی نشده است. عبدالرزاق سمرقندی از مورخان، منشیان و فضایی دربار شاهرخ در عصر تیموری است و اثر ارجمند مطلع سعدین در تاریخ آن روزگار از آثار اوست. منشآت وی از حیث اسلوب‌های متقدم ترسل و انشا و نیز سبک نثر و اطلاعات تاریخی، حائز ارزش‌های فراوان است. نگارنده در این نوشتار که به روش تحلیل و توصیف محتوای کیفی انجام شده است، در صدد است تا از منظر متن‌شناسی، محتوا و ساختار اثر را بررسی و تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منشآت سمرقندی مشتمل بر دو بخش مجزا و متمایز است؛ بخش نخست که مسمی به دستورالانشاء است در ساختاری مبسوط و دقیق، مبانی نظری و اصول کتابت و ترسل دیوانی را ارائه و تبیین کرده است. در این بخش خصایص کلام از حیث ترسل و بلاغت بررسی شده است، هم‌چنین ویژگی‌های کاتب و ساختارهای متنی منشآت و برخی آداب مربوط به نگارش و خوشنویسی و کاغذ نیز مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم که موسوم به صحایف اللطایف است، مصنف با نقل نمونه مکتوبات دیوانی و سلطانی، هم‌هنر نگارش منشیانه خویش را نمایان کرده و هم‌الگوهای عملی را پیش نظر منشیان و مخاطبان ترسیم کرده است.

واژه‌های کلیدی: عبدالرزاق سمرقندی، دستورالانشاء، صحایف اللطایف، ترسل، انشاء.

Cite this article: Jahadi Hoseyni, Sayed Amir. (2025). Textology of the Dastoor al Insha (Sahayef al Latayef) of Samarqandi. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR)(In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣṭīḥ-i mutūn). Vol-4, Issue-2. 78-106. <https://doi.org/10.22034/crtc.2025.480802.1163>



۱- مقدمه

ترسل و نامه‌نگاری از فنون شریف و مهم دیوانی است و در روزگاران کهن، متصدیان این مسئولیت خطیر، از ادبا و فضایی عصر محسوب می‌شده‌اند. «ترسل یا هنر نامه‌نگاری و فن کتابت که در آن از آیین نویسندگی، روش، دستور آن و ایجاد کلامی که معانی را برساند، سخن به میان می‌آید، خواه قانون‌ها و قاعده‌های آن گفته شود و خواه نمونه‌ای از هر گونه نامه و اجزای آن را نشان دهند» (دانش پژوه، ۱۳۵۰: ۲۷). برخی دبیران در دیوان کتابت و انشاء نسبت به تدوین مجموعه منشآت خویش اقدام می‌کردند تا هم هنر نگارش خویش را نمایان سازند و هم اینکه اثرشان در حکم الگویی برای کاتبان نوآموز عصر خویش و اعصار بعد باشد. «منشآت نویسی یا نامه‌نگاری... به عنوان یکی از فنون انشا و نویسندگی، در گستره فرهنگ و ادب فارسی، جایگاه ویژه‌ای دارد. آثار بر جای مانده، از دیر زمان با عناوینی دیگر همچون: نامه‌ها، مکاتبات، مکاتیب، مکتوبات، مراسلات، رسایل، رقعات و توقیعات به غیر از جنبه‌های ادبی و زبان‌شناسی فرازهایی از اوضاع تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را می‌نمایاند. منشآت، اسم مفعول به صیغه جمع مؤنث، از مصدر «انشاء» و مفرد آن «منشأة» است.» (مهدی زاده، ۱۳۷۸: ۶۴) منشآت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه نامه‌های دیوانی یا دو ستانه که منشی دیوانی یا نویسنده غیر دیوانی نوشته باشد.» (صالحی، ۱۳۸۰: ۵۵)

اغلب مجموعه‌های فراهم آمده کاتبان دیوانی گاه صرفاً مجموعه مکاتیب سلطنتی و دیوانی را مشتمل است. در تعداد بالنسبه کمتری از آثار دبیری، مصنف در ابتدای اثر، آموزه‌های مهم کتابت درباری را به صورت نظری طرح و تبیین کرده است. بررسی، نقد و ارزیابی این آثار نمایانگر سنت ادبی کتابت و انشاء در ادوار پیشین است، هم‌چنین مجموعه‌های یادشده از حیث جریان‌های نثر فارسی و اثرگذاری‌شان بر جریان سبکی آثار منثور عصر حاضر ارزش می‌باشند. این آثار در بردارنده اطلاعات تاریخی بسیار از حکومت‌های دوران و مناسبات سیاسی و اجتماعی اعصار قدیم هستند. «ترسل و انشا به لحاظ ادبی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی، در دوره‌های مختلف تاریخی از اهمیت شایانی برخوردار بوده است. در میان پژوهش‌های ادبی، جای خالی تحقیق و پژوهش در ترسل و منشآت فارسی، به خوبی احساس می‌شود. مسلماً مطالعه و تحقیق در این باره، از یک سو پژوهندگان را در باز شناخت آداب نگارش و تطوّر ترسل و انشا در دوره‌های مختلف یاری می‌کند و از سوی دیگر افق‌های تاریک و زوایای پنهان تاریخی و اجتماعی را به روشنی باز می‌نماید» (واحد، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

از جمله منشآت با اهمیت و البته ناشناخته، باید از اثر عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی صاحب تاریخ وزین مطلع سعدین یاد کرد. منشآت سمرقندی موسوم به دستورالانشاء و نیز صحایف اللطایف است و به رغم ارزش‌های ادبی و تاریخی تا کنون شناخته و بررسی نشده است. یکی از دلایل ناشناخته ماندن اثر، شاید به تعداد اندک نسخه‌های خطی اثر برگردد.



۱-۱- بیان مسئله

در پژوهش کنونی، دستورالانشاء سمرقندی که از آثار متقدم و ناشناخته سده هشتم قمری است از زاویه متن‌شناسی، نسخه‌شناسی و تبیین ساختار و محتوای اثر مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین مسئله پژوهش فعلی در ناشناخته ماندن اثر و عدم بررسی متن و ساختار آن است. در این پژوهش سعی می‌شود تا نسخه‌های خطی اثر احصا و معرفی شود؛ بعد آموزشی و نظری متن که مختص به آموزش مبانی نظری ترسل است، ارزیابی گردد؛ هم‌چنین بخش دوم اثر که موسوم به صحایف اللطایف و مشتمل بر اقسام مکاتیب دیوانی است، از حیث ساختاری و محتوایی تحلیل و بررسی شود. این پژوهش بر پایه روش تحلیل و توصیف محتوای کیفی انجام شده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

در خصوص شناساندن و تحلیل و بررسی نسخه دستورالانشاء سمرقندی تا کنون پژوهش مجزایی صورت نگرفته است و در این نوشتار برای نخستین بار، اثر یادشده به لحاظ ساختاری، محتوایی و بیان اهمیت موضوعی، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲- بحث

۱-۲- معرفی نویسنده

عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، مورخ و ادیب برجسته سده هشتم قمری و نگارنده مطلع سعدین و مجمع بحرین، اثر تاریخی مهم آن روزگار است. در باره احوال و آثار وی مطالب مفصلی در منابع متقدم و متأخر بیان شده است؛ با توجه به شناخته شده بودن سمرقندی از سویی و ضیق حجم نوشتار، از بحث در باب احوال وی^۱ چشم‌پوشی می‌شود. غالب مآخذ، تاریخ مطلع سعدین را در شمار آثار سمرقندی یاد کرده‌اند و ذکری از منشاء او به میان نیاورده‌اند. دانش‌پژوه در مقدمه تاریخ‌الوزراء از منشاء سمرقندی یاد کرده است: «صحائف لطائف از کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷) بنام خواجه مجدالدین محمد خافی در دستور دبیری» (ابوالرءاء قمی، ۱۳۶۳: ۳۲).

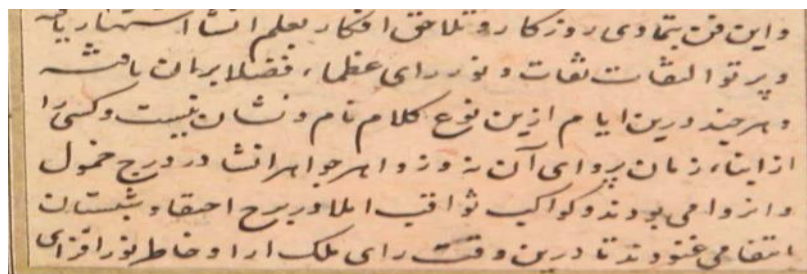
۲-۲- متن‌شناسی دستورالانشاء

دیباچه اثر با ستایش پروردگار و براءت استهلال به موضوع اثر - که ترسل و انشاست - آغاز می‌شود: «فتح صحایف انشاء ابداع و شرح لطایف املا و اختراع حمد و ثنای منشی بر کمال که به قلم زرین مثال هلال از دوات در حل آفتاب ارقام اقسام فضایل اولی الالباب بر کتابه قصر زرنگار گردون به فنون «ن و القلم و مایسپرون» می‌نگارد انشاء قدرت اوست» (۱۲). پس از تحمیدیه آغازین، بنا به شیوه معمول بسیاری از آثار متقدم، مدح نبی مکرم



اسلام (ص) آورده شده است: «و خاتم خاتمیت در انگشت دولت حضرت خاتم النبیین دید و به تشریف امتنان و رسول آخر زمان مشرف گردید...» (آ-ب).

در دیباچه کتاب، سمرقندی در جایگاه یک منشیِ ناقد و بصیر جایگاه علم انشاء را در عصر خویش نقد می‌کند: «... و این فن به تمادی روزگار و تلاحق^۱ افکار به علم انشاء اشتهار یافته و پرتو التفات ثقات و نور رای عظماء و فضلا بر آن تافته» (آ۳) است. سمرقندی در ادامه از بی‌رونتی بازار انشاء گلایه کرده، به کم‌فروغی و کسادی این فن در زمانه خویش اشاره می‌کند: «و هر چند در این زمان از این نوع کلام نام و نشان نیست و کسی را که از ابناء زمان پروای آن نه و زواهر جواهر انشاء در درج خمول و انزوا می‌بودند و کواکب ثواقب املا در برج اختفاء و شبستان انتفا^۲ می‌غنودند» (آ۳)



سمرقندی در آغاز به نقد جریان‌های رایج آن عصر و ضرورت تبیین برخی مبانی نظری انشاء توجه کرده است (آ۴). وی فصاحت و بلاغت را شرط اصلی انشاء دانسته، آرایه‌های لفظی را صرفاً برای این فن لازم نمی‌داند؛ همچنین به رعایت اقتضای حال مخاطب توصیه می‌کند: «معلوم گلبویان چمن لطافت... خواهد بود که غنچه‌های سر به مهر انشاء... هر جا به رنگ و بوی دگری تواند روی نمود... چه آنجا که حُسن فصاحت و لطف بلاغت و استعارت و مجاز و اطناب و ایجاز باید به تصحیف^۳ و تجنیس و ترصیع و تلمیع و کنایت و تمثیل و سایر مایکون من هذا القبیل نیاید و نشاید و همچنین هر یک مناسب مقتضای حال و مطابق مقام و مقال چون شهسوار صاحب جمال در میدان بیان جولان نماید...» (آ۴).

سمرقندی با اِشْراف به شیوه‌های کاربردی و رایج در دوران خویش، اولاً به ذکر اقسام جریان‌ها و ثانیاً نقد آنها پرداخته است: «و چون عرصه میدان بیان پایان ندارد... هر کس از ارباب فضل و دانش... طریقه مسلوک داشته‌اند

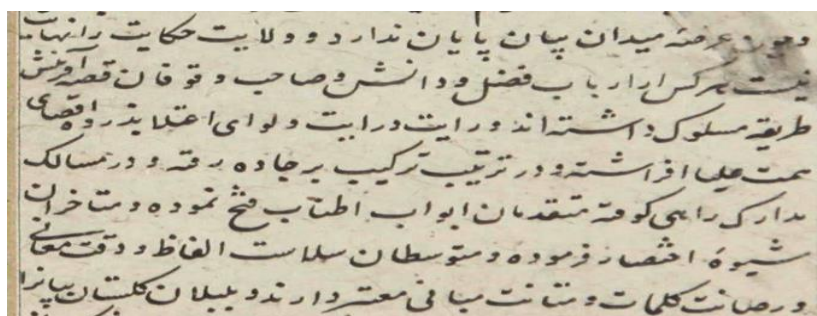
۱- از پی هم آمدن.

۲- نیستی و ناپیدی.

۳- قرائت چیزی است برخلاف آنچه که کاتب آن اراده داشته است و یا برخلاف آن که بر آن اصطلاح کرده‌اند. (از تعریفات جر جانی). (لغت‌نامه دهخدا)



...و در ترتیب ترکیب بر جاده رفته... مقدمان ابواب اطناب فتح نموده و متأخران شیوه اختصار فرموده و متوسطان سلاست الفاظ و دقت معانی و رصانت^۱ کلمات و متانت مبانی معتبر دارند... و مع ذلک با وجود فصاحت و قدرت بلاغت در شرح ادای سخن حیران و سرگردانند» (۴آ).



۲-۳-۱- ساختار اثر

دستورالانشاء مشتمل بر دو بخش اصلی و موسوم به **خط** است. خط اول مشتمل بر دو بخش فرعی تحت عنوان **سطر** است. هر سطر در فصولی فرعی به عنوان **لفظ** و زیرشاخه‌های جزئی تری به عنوان **حرف** به طرح مبانی کتابت و انشاء پرداخته است.

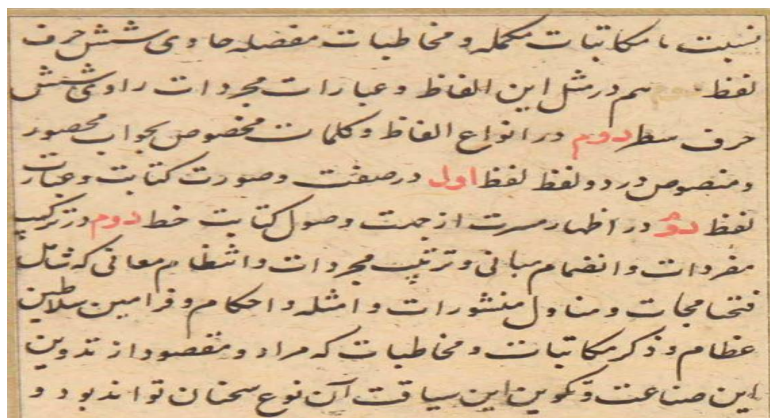
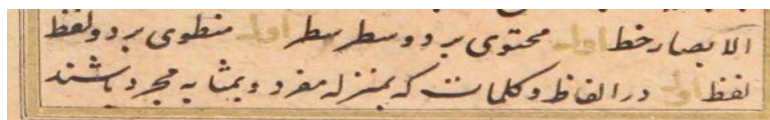
خط اول: سطر اول: لفظ اول: در الفاظ و کلمات که به منزله مفرد و به مثابه مجرد باشند (۱۵آ). نسبت با مکاتبات مکمله و مخاطبات مفصله حاوی شش حرف (۱۵ب). لفظ دوم: در مثل این الفاظ و عبارات مجردات راوی شش حرف (۱۵ب).

سطر دوم: در انواع الفاظ و کلمات مخصوص به جواب محصور و منصوص در دو لفظ: لفظ اول: در صفت و صورت کتابت و عبارت. لفظ دوم: در اظهار مسرت از جهت وصول کتابت (۱۵ب).

خط دوم: در ترکیب مفردات و انضمام مبانی و ترتیب مجردات و انتظام معانی که شامل فتجنماجات و منادل^۲ منشورات و امثله و احکام و فرامین سلاطین عظام و ذکر مکاتبات و مخاطبات که مراد و مقصود از تدوین این صناعت و تکوین این سیاق آن نوع سخنان تواند بود... (۱۵ب).

۱- قوت و محکمی و استواری.

۲- ج مندل، خط عزیمت بود که معزمان کشند. خطی که تسخیرکنندگان ارواح و عزایم خوانان گرد خود کشند و در آن نشینند و به عزیمت خوانی و تسخیر جن و ارواح مشغول شوند و به عقیده آنان هر گاه قدم از خط بیرون گذارند ارواح خون آنان را می‌ریزند. (لغت‌نامه دهخدا)



۲-۳-۲- سبب تصنیف

سمرقندی در دیباچه اثر ضمن معرفی مختصر خویش و اشاره به عنوان اثر، درباره سبب تصنیف رساله آموزشی دستورالانشاء اشاره می‌کند که این مجموعه آموزشی و عملی را در اجابت به درخواست ممدوح تصنیف و گردآوری کرده است: «چنین گوید فقیر حقیر، طالب مکارم اخلاق سرمدی، عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی... که چون حکمت کامله الهی و رحمت شامله نامتناهی اقتصار فرمود که **صحایف لطایف** منشات و ظرایف طرایف مبدعات به احسن صوری روی نمود تا زمان کواکب ثواقب و بدایع صنایع از طوابع مطالع ظهور یابد و سواطع^۱ لوامع سخن بر مجالی^۲ و مظاهر بصایر و ابصار تابد، سابقان میدان معانی و فارسان^۳ مضماری^۴ سخن رانی به مساعی مشکور و دواعی موفور آثار حمیده و اخبار پسندیده بر حواشی صحایف مجمع اللطایف روزگار نگاشته‌اند... ناثران جواهر زواهر منشور پایه نثر را از نثره گذرانیده‌اند، صیت طنطنه انّ منّ البیان لَسحرّاً در گنبد افلاک انداخته» (۲ب و ۳آ). در ادامه و ضمن ستایش ممدوح و بیان القاب بسیار برای وی، به بیان سبب تصنیف اثر ورود می‌کند: «تا در این وقت رای ملک آرا و خاطر نورافزای و فکر قضات‌اثیر و ضمیر عطاردتدبیر کارساز عالمیان و خلف صدق خواجه جهان،

۱- ج ساطع، بلندشونده و برآینده.

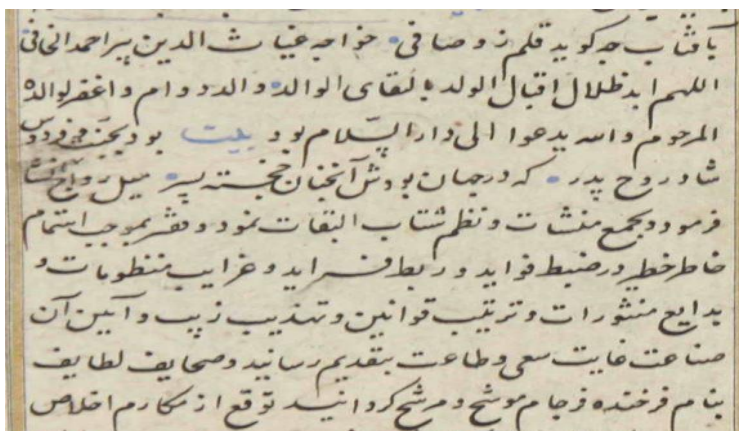
۲- ج مجلی [م-لا] صیغه اسم ظرف است به معنی جای جلا که آیینه باشد. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- اسب سواران.

۴- میدان اسب دوانی و جای ریاضت دادن اسب.



قدوة اعیان نامدار، صاحب سر سلطان کامکار، نور حدقه وزارت، عین اعیان امارت، فرزند خواجه مجدالدین الامیر الکبیر ... **خواجه غیاث الدین پیر احمد النحافی**^۳ ... میل رواج فن انشا فرمود و به جمع منشآت و نظم شتاب التفات نمود و فقیر به موجب اهتمام خاطر خطیر در ضبط فواید و ربط فراید و غرایب منظومات و بدایع منشورات... و آیین آن صناعت غایت سعی و طاعت به تقدیم رسانید و **صحایف لطایف** به نام فرخنده فرجام موشح و مرشح گردانید» (۳ب).



در پایان این بخش، مصنف از مخاطبان و خوانندگان تقاضایی مبنی بر عفو و اغماض از سهو و لغزش‌هایش کرده، می‌نویسد: «توقع از مکارم اخلاق و محاسن اعراق افاصل آفاق که صفایح^۱ این اوراق مسارح^۲ اطوار نظر و مطارح انوار بصر ایشان خواهد شد، آنکه چون بر خلل و زلل مطلع گردند به مقتضای مروت جبلّی و فتوت اصلی تمیمة^۳ نیمه^۴ در نوردند و زلات و عثرات^۵ را به حسن عفو و لطف اغماض به تخطئه و اعتراض تلقی نمایند و سهو نسیان که لازم انسان است به موجب فمّن عفا و اصلح فاجرّه علی الله اصلاح فرمایند...» (۳ب).

۲-۳-۳- بخش آموزشی (مبانی نظری ترسل و انشاء)

اثر حاضر را می‌توان در دو بخش مجزا طبقه‌بندی کرد؛ بخش نخست آن به ذکر مبانی و مقدمات مهم فنّ ترسل

۱- ج. صفیحة، روی پهن از هر چیزی.

۲- ج. مسرح، چراگاه‌ها.

۳- تعویذ و مهره پیسه که در رشته کرده در گردن اندازند برای دفع چشم بد. ج، تمیم. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- سخن چینی. غمازی.

۵- ج. عشرة. لغزش.

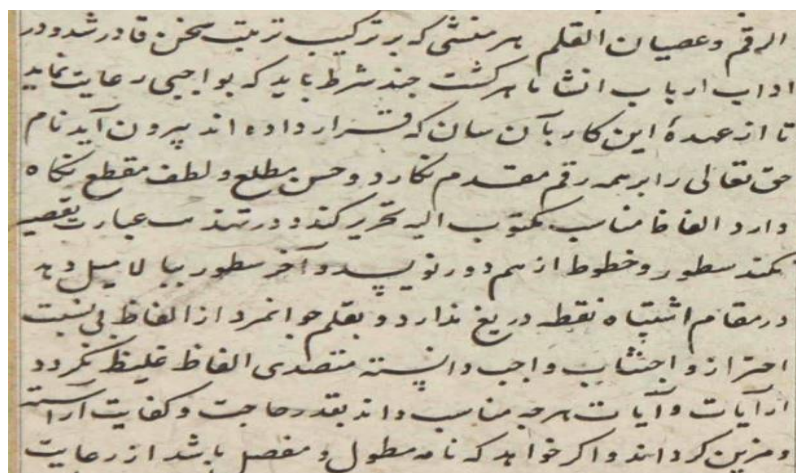


و انشا پرداخته، از جامعیت و انسجام کم‌نظیری در میان آثار مشابه برخوردار است. سمرقندی در این بخش کوشیده است تا مبانی ترسل دیوانی را برای منشیان تبیین کند. مصنف، بیان دقیق و موشکافانه مبانی فن انشا را چه برای خواص و چه برای عامه مخاطبان دشوار می‌داند و با وجود این سعی می‌کند تا در آغاز اثر، مقدماتی در این باب ذکر نماید: «شرح ادب و ادای انشاء و شرط انتظام کلام بسیار است و حق توفه آن مقام بر زمره خواص تا بر فرقه عوام چه رسد به غایت دشوار، اگر در ابتداء رساله در آن معنی شروع نماید... اما آنچه مهم و اهم ارباب قلم و اصحاب رقم داند امیدوار که بوار و هنجار که تواند به موقف عرض و محل آنها رساند» (۴ب).

ذیلاً و به اختصار مباحث و رویکردهای آموزشی سمرقندی را در این بخش تحلیل و بررسی می‌گردد:

۱. آداب کتابت و دبیری

از جمله مباحث قابل اعتنا، بر شمردن شرایطی است که منشی باید برای اقدام به انشا مد نظر داشته باشد: «هر منشی که بر ترکیب سخن قادر شد و در آداب انشاء ماهر گشت چند شرط باید که به واجبی رعایت نماید تا از عهده این کار به آن سان که قرار داده اند بیرون آید» (۴ب). اصول مطمح نظر سمرقندی ناظر به رعایت اسالیب ساختاری و جنبه‌های محتوایی رایج و سنتی در آن دوره است که به برخی از باب نمونه اشاره می‌گردد: «۱- نام حق تعالی را بر همه رقم مقدم نگارد. ۲- حُسن مطلع و لطف مقطع نگاه دارد. ۳- الفاظ مناسب مکتوب الیه تحریر کند و در تهذیب عبارت تقصیر نکند. ۴- خطوط از هم دور نویسد و آخر سطور به بالا میل دهد. ۵- در مقام اشتباه نقطه دریغ ندارد. ۶- به قلم جوانمرد از الفاظ بی‌نسبت احتراز و اجتناب واجب دانسته. ۷- متصدی الفاظ غلیظ نگردد. ۸- آریات و آیات هر چه مناسب داند به قدر حاجت و کفایت آراسته و مزین گرداند» (۴ب).

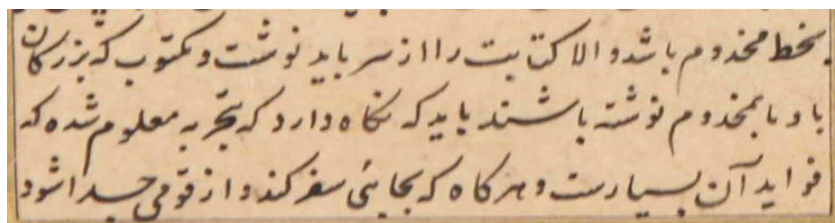


از جمله آداب مهم دیگر، توصیه اجتماعی مبنی بر شناخت اصناف مردم و مناسبات و مناصب آنهاست که در هنگام تنظیم و نگارش مکتوبات رسمی برای کاتب ضروری است: «دیگر رسوم و عادات و طبقات مردم و مراتب



اصحاب مناصب و قوف اطلاع حاصل کند» (۶ب).

سمرقندی ضمن توصیه‌ای تعلیمی و محتاطانه هرگونه حک و اصلاحی را بعد از نشان مکتوب از جانب مخدوم، موضعی برای ایراد شبهه و تهمت به کاتب دانسته، کاتب را از این امر برحذر می‌دارد و هرگونه تغییری را صرفاً با دست خط مخدوم و یا کتابت دیگر باره و کامل مکتوب، میسر می‌داند: «بعد از آنکه مکتوب را مخدوم نشان کند، قطعاً قلم بر آن ننهد علی‌الخصوص آنجا که به امر بزرگ تعلق داشته باشد که مظنه^۱ تهمت بود... و اگر بعد از کتابت، مکتوب را اتفاق الحاق افتد و باید که در اثنای خطوط چیزی نویسد به خط مخدوم باشد و الا کتابت را از سر باید نوشت» (۶ب). در ادامه هم چنین به کاتب سفارش می‌کند که نسبت به جمع‌آوری و نگاهداری از اسناد و مکاتیب درباری اهتمام ورزد و این مقوله را بسیار مفید می‌داند. شاید این موضوع، یکی از قدیم‌ترین تمهیدات دیوانی مبنی بر بایگانی کردن مکتوبات نزد کاتب بوده باشد: «مکتوب بزرگان به او و یا مخدوم نوشته باشند باید که نگاه دارد که به تجربه معلوم شده که فواید آن بسیار است» (۶ب).



سمرقندی رعایت لحن محترمانه در نوشته‌ها را سفارش کرده، در این باره می‌نویسد: «در مخاطبات و مکاتبات سلوک طریق احترام و احتشام و شیوه انبساط و نشاط اختیار نماید» (۸آ). هم چنین به کاتب گوشزد می‌کند که کلام را با جملات بشارت‌دهنده آغاز کند و از کاربرد واژگان نامیمون و منفی اجتناب نماید: «و باید که افتتاح سخن به کلمه‌ای اتفاق افتد که به فال میمون و ستوده باشد، چنانکه در اول مطالعه و استماع آن موجب فرح و سرور گردد، پس لفظی که به فال نیک باشد باید آورد و از ناپسندیده احتراز واجب دانست» (۷ب). مصنف در باب ارسال مکتوب به مخدوم، نیز توصیه به مهر کردن مکتوب نموده است که متضمن رعایت شأن و حرمت اوست: «و چون مکتوب را خواهد فرستاد مهر کند که به ادب و برگداشت مکتوب الیه نزدیک تر است» (۷آ).

در خصوص رعایت رتبه مکتوب الیه معتقد است که کاتب باید رعایت جنبه بزرگداشت مخاطب را در نظر گرفته، در جایگاه دعا و ذکر نعوت و القاب مخاطب، مبالغه ورزیده، از بخل اجتناب نماید: «در همه مقامات به تخصیص در القاب و دعا از مهمات و معظمت شرایط این صنعت داند... و نیز باید که منشی بخیل قلم نباشد و به القاب آنجا که مجال یابد جوانمردی کند که در آن فواید بسیار است» (۱۲ب و ۷ب). در باب کاربرد القاب برای سایر مخاطبان

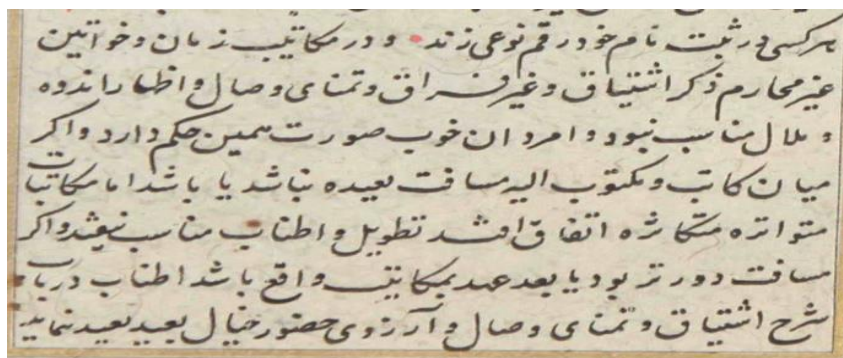
۱ - جایی که گمان وجود چیزی در آن برود؛ جای گمان بردن.



می‌نویسد: «فرزند پدر را و غلام خواجه را و رعیت سلطان را القاب نباید نوشت و همچنین پدر فرزند را و خواجه غلام مخدوم را و نوکر را القاب بنویسد» (۱۲ب).

برخی آداب انشاء نیز ناظر به ساختار و ارکان مکتوبات است، از جمله موارد ذیل که مربوط به دعای صدر مکتوب و اصول شرح اشتیاق نویسی است: درباره ادعیه صدر مکتوب نیز قواعدی به کاتبان گوشزد شده است، از جمله اینکه «۱-دعای مناسب باید نوشت، ۲-اطناب در دعا پسندیده نداشته‌اند و ۳-جهد باید نمود تا در دعا لفظی باشد مناسب نام مکتوب الیه... ۴-بعد از ذکر نام، دعا نوشتن جایز نداشته‌اند مگر وقتی که مکتوب الیه را قوت امتیاز و وقوف بر این دقیقه نباشد» (۱۳آ).

سمرقندی نکته اخلاقی و تعلیمی مهمی را در باب رعایت اصول شرح اشتیاق نویسی در مکتوب بیان می‌کند: «در مکاتیب زنان و خواتین غیر محارم ذکر اشتیاق و غیر فراق و تمنای وصال و اظهار اندوه و ملال مناسب نبود و امردان^۱ خوب صورت نیز همین حکم دارد» (۱۳ب). در ادامه اصول شرح اشتیاق نویسی نکته‌ای را درباره مقوله بسط و اطناب در این رکن مکتوب خاطر نشان می‌سازد: «اگر میان کاتب و مکتوب الیه مسافت بعیده نباشد یا باشد، اما مکاتبات متواتره متکاتره اتفاق افتد، تطویل و اطناب مناسب نیفتد و اگر مسافت دورتر بود اطناب در باب شرح اشتیاق بعید ننماید» (۱۳ب).



۲. ویژگی‌های معنوی و ادبی کلام

ذکر خصایص بلاغی و معنایی کلام نیز از نظر سمرقندی دور نمانده است. وی، ضمن بحثی مجزا و دقیق به بیان ویژگی‌های کلام بلیغ در مقوله ترسل و انشا پرداخته است. ویژگی‌های مذکور از منظر دانش معانی هم حائز ارزش است. او کاتبان را ضمن توصیه به صراحت کلام به کاربرد آرایه‌های بدیعی و بیانی در کلام تحریض می‌کند:

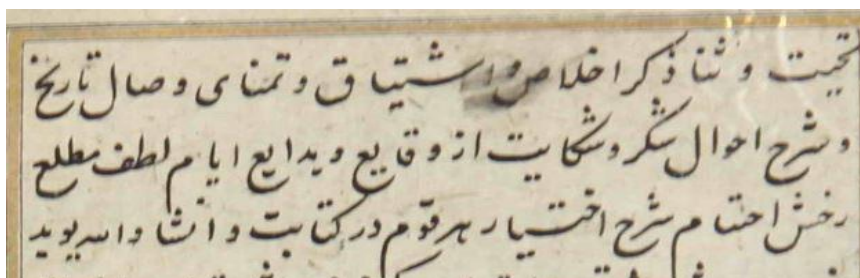
۱ - جوانی که هنوز صورتش مو درنیآورده باشد؛ ساده‌زنج؛ بی‌ریش.



«دیگر باید که سخن روشن و مفهوم باشد و از اغلاق^۱ و تعقید احتراز لازم شمرد و چندانکه تواند در اثناء کلام هر کجا محل و مقام اقتضا کند تکلفی از بدایع و صنایع ادا نماید و دیباچه سخن را به زیب و زینت آن آراند» (۸ و ۷ آ). در خصوص آرایه‌وری مکتوبات منشیانه معتقد است که چنانچه در آغاز نامه از این ویژگی استفاده شود، باید تا پایان مکتوب بدین سیاق عمل شود: «و چون مطلع نامه و سخن را بر عبارت مهذب و استعارات مستعذبه بنا نهند باید که مقطع در سایر مکاتبات آن شیوه مرعی دارد» (۸ آ). البته سمرقندی شرط اظهار مهارت در فنون ادبی را، آشکار ساختن آن برای اهل فن و مخاطبان فاضل می‌داند: «باید که به غیر فصحا و بلغا اظهار فصاحت و بلاغت جایز ندارد» (۸ آ).

سمرقندی التزام به **اطناب** را در انشای درباری پسندیده دانسته، برای رعایت بسط و تفصیل در مکتوب اصولی را به کاتب گوشزد می‌نماید: «اگر خواهد که نامه مطول و مفصل باشد از رعایت چند شرط چاره نباشد: ۱- حسن مطلع. ۲- لطافت الفاظ که به آن ابتدا کند. ۳- ملاحظه جانب مکتوب‌الیه در مناسبت القاب. ۴- بیت عربی یا فارسی در مکتوب‌الیه. ۵- دعایی مناسب مناصب مکتوب‌الیه. ۶- ذکر تحیت و ثنا. ۷- ذکر اخلاص و اشتیاق و تمنای وصال. ۸- شرح احوال شکر و شکایت از وقایع و بدایع ایام. ۹- لطف مطلع و حُسن اختتام» (۴ ب و ۵ آ).

خصیصه معنایی **ایجاز** نیز از محسنات کلام در نظر سمرقندی است، البته وی کاتبان را به رعایت ایجاز توصیه کرده است: «و جهد کن... مقامات یا الفاظ و عبارات کمتر از معانی باشد و هر گاه در مکتوب دو حکایت یا بیشتر ایراد کند باید که در میان حکایت مناسبت و علاقه متصور باشد و هر چه واجب‌التقدیم بود مقدم دارد و الا به رکاکت ذهن و بلاد^۲ و بلاهت کاتب حمل افتد» (۸ آ). البته شرط اصلی در این ویژگی «رعایت شروط مناسبات است» (۸ آ).



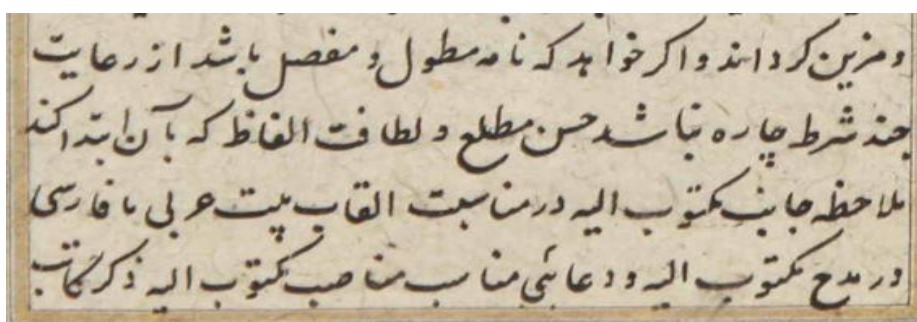
۱- پیچیدگی در سخن.

۲- نادانی.



۳. ادوات کتابت

سمرقندی عباراتی را هم به ابزار و آلات مورد نیاز کاتبان اختصاص داده است و کاتب را به تهیه این ادوات توصیه نموده است: «... آن چنانست که کاتب منشی همه آلات و ادوات کتابت از قلم و دوات و کاغذ طومار کرده و قلم تراش و مقط^۱ و محرک^۲ و مقرض و لزاز^۳ همیشه معد و مهیا دارد و اسباب آسیب و نقصان پیرامون آن نگذارد» (آ۵).



مصنف درباره کاغذ و چگونگی نگارش بر آن با توجه به مخاطب نامه نیز آموزه‌های مهمی را به کاتبان گوشزد کرده است: « کاغذ دو نوع طومار باید کرد همیشه مرتب دارد، یکی عریض و یکی وسط، به جانب بزرگان بر کاغذ عریض باید نوشت که وسط، بر ترک ادب محمول گردد و اگر میسر شود بر کاغذ سطر هم نباید کتابت کرد و اولی آنکه کاغذ را به تحدید^۴ مهره زند^۵ و آن گاه نویسد» (ب۵). هم‌چنین در خصوص جایگاه نگارش در صفحه و بیاض گذاردن آن معتقد است که «در مکتوبی که به بزرگان نویسد، بالای مکتوب بیاض بسیار گذارد و حاشیه بر کنار و گشاد در میان دو خط کمتر کند و... طی مکتوب به مقدار گشادگی خط ببااید و... چون بر بزرگان چیزی نویسد بی ضرورت بر ظهر نویسد و اگر نویسد اعتذار لازم داند... و اگر به فرودستان بر ظهر مکتوب نویسد عیب نبود» (ب۵ و آ۶).

۱ - قلمزن.

۲ - دوات شور. آب دوات کن.

۳ - آنچه بدان چیزی چسبانند.

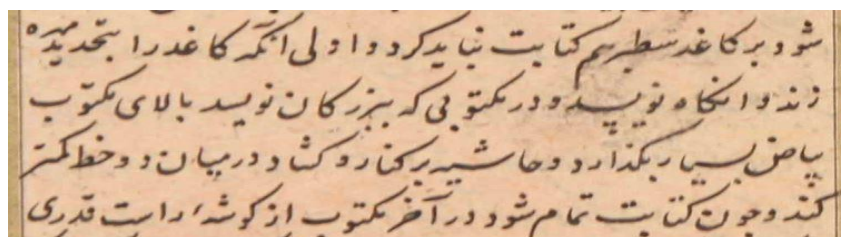
۴ - تیز کردن کارد را به سنگ یا به سوهان.

۵ - مهره کشیدن بر صاروج یا کاغذ و غیره برای لغزنده و براق شدن آن. جلا دادن. پرداخت کردن.



۴. خصایص و شرایط کاتب

مصنف هم‌چنین بر آراسته شدن کاتبان به مهارت‌ها و فنون ادبی تأکید فراوان دارد و در این خصوص منشیان را به مطالعه امتهات متون منظوم و منثور عربی و فارسی سفارش می‌کند: «کاتب منشی چندانکه در علوم ادبیه چون لغت و صرف و نحو و معانی و بیان و دواوین عرب و عجم و عجایب تواریخ و اخبار امم و موارد امثال صاحب کمال باشد مهارت و فراست او در این فن بیشتر به ظهور پیوندد» (۱۶). نظامی عروضی نیز در باب دبیری چهارمقاله



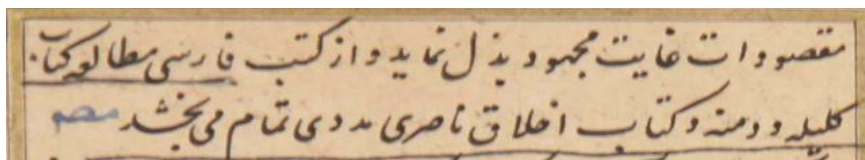
کاتبان را به مطالعه قرآن و روایات و آثار ادبی فارسی و عربی به صورت اعم و آثار منشیان پیشین سفارش کرده است: «پس عادت باید کرد به خواندن کلام رب العزة و اخبار مصطفی و آثار صحابه و امثال عرب و کلمات عجم و مطالعه کتب سلف و مناظره صحف خلف چون: ترسل صاحب و صابی و قاموس... و مقامات بدیع و حریری و توقیعات بلعمی... و نامه‌های محمد عبده و عبدالحمید... و دواوین عرب... و شعر عجم...» (نظامی عروضی، ۱۳۸۰: ۲۲).

سمرقندی در ادامه ضمن توصیه به کاتبان کم‌سواد و بی‌بهره از فضل و ادب مبنی بر نصب العین قرار دادن آثار متقدمان، قوانینی را نیز جهت رعایت در مکتوب به منشیان نوآموز گوشزد می‌نماید؛ از جمله اینکه ابیات و عبارات مناسب هر حال و مقامی را از آثار منشیان متقدم برگزیده، به خاطر سپرده تا در ذهن و ضمیرشان نقش بندد: «و اگر کسی را این اقسام به تمام حاصل نباشد، تدبیر آن است که از ابیات عرب و عجم و عبارات مترسلان و اشارات و استعارات منشیان، مناسب هر حال و لایق مقام و مقال به دست آورد و اگر تواند یاد گیرد و قوت سخن‌گذاری آن مقدار که لفظ رکیک نویسد ملکه سازد و چندان استعداد حاصل کند که از ترسلات و دواوین مناسب هر مقام انتخاب و تألیف تواند نمود و چندانکه مقدر و میسر باشد در ترتیب این مقصودات غایت مجهود بذل نماید» (۱۶). سمرقندی هم‌چنین مطالعه آثاری چون کلیله و دمنه و اخلاق ناصری را به حال کاتبان مفید می‌داند (۶).

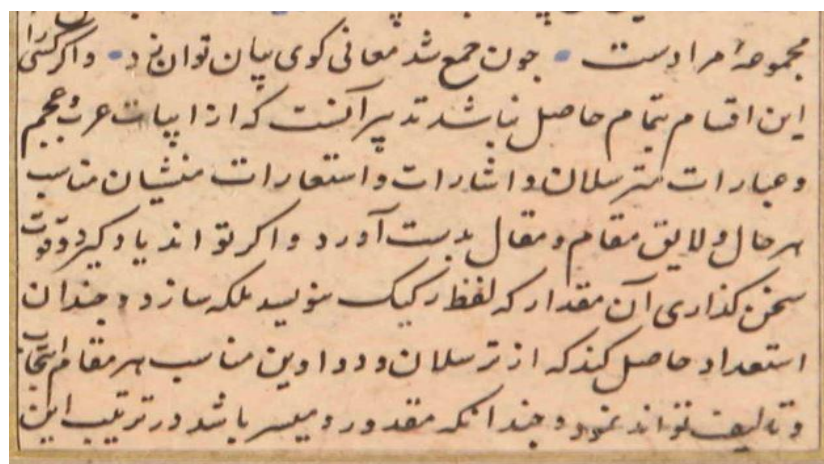


۵. قواعد خط و استنساخ

برخی آداب کتابت و انشا نیز شبیه قواعد نگارشی و ویرایشی معاصر است که نوعاً شایان توجه و اعتناست، از جمله اینکه کاتب «مکتوب را در غیر محل اشتباه نقطه و اعراب نزند که بر تجهیل مکتوب الیه حمل افتد» (۱۷). هم‌چنین، بررسی و خوانش متن بعد از نگارش را از وظایف اصلی کاتب دانسته است تا بر خطاهای احتمالی آگاه شده، نسبت به اصلاح آنها اهتمام ورزد: «بعد از فراغ از کتابت یک کتّب به تأمل تمام مکتوب را مطالعه نماید از اول تا آخر و چون بر موضعی مطلع شود که حاجت به اصلاح باشد از آنجا اصلاح ناکرده نگذرد و پیش از آنکه مکتوب را مَهر کند عنوان بنویسد و جهد کند تا به حک احتیاج نباشد، خاصه در احکام و قضایای کلیه که موجب تهمت گردد» (۱۷).



یکی دیگر از جمله قواعد نگارش مکتوب نیز ناظر به نحوه کتابت نام مخاطب در صفحه کاغذ است: «زمام



مکتوب الیه را در مکتوب به نسبت مرتبه او ممتاز باید نوشت و امتیاز چنان باشد که بر صدر خط نویسد و اگر حاجت باشد قدری بیاض گذارند و اگر به مرتبه بزرگ‌تر باشد بر حاشیه جانب راست بر کرانه طومار نویسد و بیاض گذارد چنانکه ممتاز نماید...» (۱۲ ب).

برخی از آداب ذکر شده ناظر به مقوله خوشنویسی و مهارت در خطاطی است که از ملزومات اصلی یک کاتب در هنگام کتابت محسوب می‌شده است؛ آدابی نظیر: «خانه قلم را به مقدار بند ابهام دراز تراشد؛ قلم نیکو امتحان کرده اختیار کند؛ قلم را محرف قط زند که خط از آن خوشتر آید؛ خطوط که آموخته به نسبت هر یک قلم تراشیده



و آماده باید داشت بعضی سطر و بعضی باریک؛ قلم بر قلم قط نزند؛ چون تراشد عقده بر وی نگاه ندارد؛ تجاویف^۱ قلم تمام خالی کند؛ هر گاه به بزرگان چیزی نویسد به قلم باریک‌تر باید نوشت که به تواضع نزدیک‌تر باشد و اگر به فرودستان نویسد سطرتر نویسد» (۵ و ۵ب).

۲-۳-۴- باورهای عامه در کتابت و انشاء

با این که این طبقه کاتبان و دبیران دیوانی از میان فضلا و شایستگان جامعه برگزیده می‌شدند، اما در مواردی بنا بر غلبه روحیه خرافی و باورپذیری عامه، گاهی اوقات در آثار آنان مسائلی از این دست دیده می‌شود. «دبیران با وجود دانش فراوان در حوزه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیرو تأثیرپذیری خویش از اجتماع به برخی باورها و اعتقادات در حوزه کاری خویش پایبند شده و خود ضمن رعایت این موارد در حوزه عمل؛ در بخش نظری آثار خویش مخاطبان و نورهان را نیز به ملاحظه آن اصول ترغیب می‌نمودند» (جهانشاهی افشار و جهادی حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). از جمله ویژگی‌های بارز دستورالانشاء، اشاره به برخی از رسوم منشیانه است که جنبه باورهای عامه دارند. البته این خصیصه در آثار کهن حوزه ترسل^۴ نیز مشهود است. برخی از باورهای مذکور نیز از ریشه‌های دینی برخوردار است. تمسک و اعتقاد به این باورها جهت تیمن و تفأل و پرهیز از ناخوشی‌هاست. ذیلاً به برخی از این باورها اشاره می‌شود:

۱- «قلم و تراشه قلم خوار ندارد و در زیر پا نیفکنند که فاقه و فراموشی آورد» (۵ب).

۲- مصنف هم‌چنین با استناد به روایت **إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَتَرَّ يُحِبُّ الْوَتْرَ**، می‌نویسد که «عدد قلمها باید که طاق باشد» (۵ب).

۳- سمرقندی به نظم و پاکیزگی در کتابت نیز توصیه می‌کند، چراکه معتقد است رعایت این مقوله موجب بسط خاطر منشی می‌گردد: «نگذارد که ظاهر دوات سیاه شود و آن را پاک داشته پیوسته به بوی‌های خوش معطر و مطیب سازد که به وقت کتابت موجب فرح و نشاط ذهن گردد» (۵ب).

۴- از دیگر باورهای عامه آن است که کاتب، «دوات در طاق نهد که عزل نتیجه دهد» (۵ب).

۵- یکی دیگر از اعتقادات رایج در میان کاتبان محو و باطل کردن شکل منحوس **تربیع** است، این باور ریشه مذهبی نیز دارد و کاتبان معمولاً پس از اتمام نگارش مکتوب، گوشه راست بالای کاغذ را مقداری پاره می‌کردند تا شکل یاد شده را از بین ببرند و البته این کار را در حصول مراد بسیار مفید می‌دانستند: «چون کتابت تمام شود در

۱- جمع تجویف، کاواک‌ها و جوف‌ها.



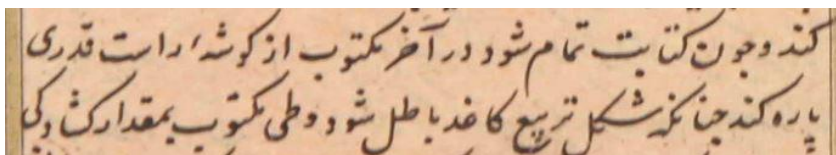
آخر مکتوب از گوشه راست قدری پاره کند چنانکه شکل تربیع کاغذ باطل شود» (ب۵).

۶- برخی از باورها نیز ناظر به اوقات کتابت و سعد و نحس ایام دارد. از جمله اینکه کاتب «بعد از نماز عصر تا نماز شام ننویسد» (آ۶)

۷- سمرقندی در باوری دیگر برای به یاد آوردن مطالب فراموش شده می‌نویسد: «و اگر چیزی فراموش شده باشد و به تأملی احتیاج شود قلم را به گوش نزدیک گرداند» (آ۷).

۸- خاک پاشیدن بر مکتوب از سابقه روایی^۵ برخوردار است و اشاره و اعتقاد بدان در متون انشاء و ترسل نیز ملحوظ است: «و چون کتابت تمام شود قدری خاک بر آن پاشد که آن را در برآمدن حاجت اثری به حسب خاصیت مأثور است» (آ۷). انجام باور یادشده مانند باطل کردن شکل تربیع، در حصول مقصود مفید دانسته شده است.

۹- سمرقندی هم‌چنین در باوری شگفت‌آور و کم‌نظیر می‌نویسد: «و هر گاه مکتوب را به قاصد دهد باید که پیش بر زمین غلطاند و به دست او ندهد که ادب کتابت چنین است» (آ۷).



۲-۳-۵- مکتوبات دیوانی و رسمی

۱. اقسام و ساختار مکتوبات

بخش دوم اثر مسّی به صحایف اللطایف و مشتمل بر مناشیر و مکتوبات سلطانی است. این بخش علاوه بر ارزش تاریخی در حکم ارائه نمونه الگوهای عملی انشای دیوانی است که توسط یکی از کاتبان برجسته و صاحب سبک عصر نگاشته شده و سرمشقی برای منشیان دیوانی است. مکتوبات اثر مشتمل بر هفت فتحنامه و چهار منشور دیوانی است.

۱/۱. **فتحنامه:** نوع منشور فتحنامه «مکتوبی است دیوانی که پس از فتوحات بزرگ در دیوان رسائل نوشته می‌شد و از سوی سلاطین به ولایات و ممالک اطراف و خطاب به حاکمان و ملوک و والیان و سلاطین آن نواحی و ممالک ارسال می‌گشت، و رسم چنان بود که آن را در روز جمعه هنگام اقامه نماز در مساجد بالای منابر می‌خواندند و به اطلاع عموم می‌رسانیدند» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۷۹). «معمولاً هدف از نگارش این نوع نامه‌ها، ایجاد هیاهوی تبلیغاتی، قدرت‌نمایی در برابر دشمن و تخویف و تهدید آنان، مسرت بخشیدن به سلاطین وقت و خلفای هم‌پیمان و دوستان سیاسی بود» (قربان‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۰). گاه نیز به فراخور اوضاع زمان (به خصوص از عصر ایلخانی



تا صفوی و عثمانی) جنگ لفظی مذاهب علیه هم در آنها مشهود بود، که البته عقاید و تعصبات مذهبی دولتمردان در آن مؤثر بوده است (همان). در ادامه ساختار یکی از فتحنامه‌های صحایف بررسی و تحلیل می‌شود:

۱- مقدمه فتحنامه، ستایش الهی و بیان قدرت اوست و اینکه خداوند، سلاطین کامکار را نصب کرده، یاری می‌رساند (۴۷آ). مقوله بعدی در مقدمه فتحنامه یاد شده، مدح نبی مکرم اسلام (ص) است (۴۷آ). گزینش واژه‌ها در مقدمه فتحنامه به نوعی با براعت استهلال موضوع نبرد و ضرورت آن را تبیین می‌کند.

پس از نقل مقدمات فوق، سمرقندی در ساختاری مدون و دقیق به نگارش فتحنامه پرداخته است:

۱- کاتب در ابتدا به بیان جایگاه با اهمیت پادشاه در نظام اجتماعی پرداخته، می‌نویسد: «اما بعد قال النبی علیه الصلوة و السلم انّ قلوب الملوک خزاین الله فی ارضه... از منطوق این خبر چنان مستفاد می‌شود که دل‌های پادشاهان خزاین اسرار الهی اند در زمین...» (۴۷آ-ب).

۲- در رکن حاضر به موضوع اصلی مکتوب، یعنی نبرد و ذکر فتوحات و ضرورت آن پرداخته شده است: «مصدق این سیاق و تمثال این احوال عزم استخلاص ممالک آذربایجان و تسحیر رقاب گردن کشان ترکمان است که ما با فرزندان کامکار و امراء نامدار و لشکر جهان‌گشای و دلاوران نبردآزمای... از سریر مملکت خراسان به آن صوب معطوف فرمودیم» (۴۷ب).

۳- در این رکن به تمهید مقدمات نبرد و آماده شدن لشکر و حرکت سپاه و واقف شدن دشمن و هجوم سپاه اشاره شده است: «... و از آن طرف چون مخالف واقف شد سپاه غم و اندوه بر قلب او چنان تاختن آورد که سررشته تدبیر از دست عقل کارپردازش بدر رفت...» (۴۷ب).

۴- آمادگی لشکر دشمن و خروج آن برای نبرد به واسطه کیفیت تاریخی فتحنامه بیان شده است: «... و نشان حرکت ترکمانان، جهان روشن به چشم او سیاه و تاریک گشت و به اضطراب و اضطراب با لشکر بسیار... به عزم رزم... از تبریز بیرون آمد...» (۴۸آ).

۵- در این رکن که قلب و بخش اصلی فتحنامه هست، مواجهه دو لشکر و پیروزی یافتن لشکر سلطان بیان شده است: «... و موبک همایون ما نهضت فرموده صورت مقابله و مقاتله نمودن گرفت و چون به حوالی سلطانیه رسیدیم توفیق ربانی هم عنان و آیات فضل سبحانی ظاهرو عیان امداد تأیید ایزدی مقدمه ساه و یمین و یسار محفوف و محفوظ...» (۴۸آ).

۶- حصول پیروزی و شکست دشمن و ورود به شهر دشمنان در ادامه فتحنامه ذکر شده است: «و لشکر عنان‌ریز عازم ملک تبریز شدند، دیده متوطیان آن مملکت از تاب آفتاب طلعت همایونش روشن شد و کوب قوت و دولت از



افق سعادت آن ولایت طالع گشت، صبح ظفر از مشرق امید بر آمد / اصحاب غرض را شب سودا به سرآمد» (۴۸آ). در ضمن همین رکن توصیفاتی به نثر شاعرانه و البته مبسوط از رزمندگان دلاور سپاه عالم‌پناه نگاشته شده است: «و شیران بیشه شجاعت و دلیران بیشه جلادت که شیر ژیان به زخم گرز گران گوشمال دهند و لب بر لب خنجر آبدار نهند و دست در حلقه زلف تابدار زده، در پای علم سراندازی و بر عشق ظفر جانبازی می‌کردند» (۴۸آ).

۷- تسخیر ولایت دشمن به عنایت الهی در این نبرد: «... و عنان مملکت آذربایجان به قبضه تدبیر و سرپنجه تسخیر پردلان مملکت خراسان داد و عالمیان را روشن شد که هر کس را نصرت الهی دستگیری کند، هیچ سروری با او گردنکشی نتواند کرد و کسی دست صولت او به قوت بازوی سطوت بر نتواند تافت» (۴۸ب).

در ادامه این فتحنامه مطنب، یک نبرد مرتبط دیگر که در امتداد نبرد اول است، ذکر و مقدمات فتح و پیروزی سلطان عالمگیر به اطناب و تفصیل بیان شده است. دشمن پس از شکست و گریز، به تقویت مواضع خویش پرداخته، مجدداً در صدد هجوم و یورش است که با تمهید سلطان و لشکریانش دیگر باره مغلوب می‌شوند. در نبرد دوم این فتحنامه، مقابله دو لشکر و کیفیت نبرد به تفصیل بیان شده است؛ نبردی سخت و نفس‌گیر که با فتح لشکر سلطان خاتمه می‌یابد. (۵۰آ-ب).

۸- اعلام پیروزی و نگارش فتحنامه: «... و جهت ایصال بشارت و ابلاغ مژده فتح و نصرت قاصدان و مسرعان به اطراف ولایات به اصناف طبقات علی اختلاف درجات فرستادیم و همگنان را به عواطف پادشاهانه... نوید مرحمت دادیم...» (۵۱ب).

۱/۲. منشور و فرمان «مکتوب رسمی بوده است که از دیوان رسایل جهت تفویض مشاغل و مناصب بزرگ دیوانی و سیاسی و علمی و دینی، مانند: وزارت، امارت، سپهسالاری، امامت، قضاوت و قاضی القضاتی، حسبت، نقابت سادات، تدریس و یا واگذاری اقطاع و غیره صادر می‌شده و به توقیع سلطان می‌رسیده است» (مردانی، ۱۳۷۷: ۴۳). ارکان منشور عبارت است از: «۱- مقدمه، ۲- بیان اهمیت و عظمت شغل و منصب، ۳- نام مخاطب منشور و ستایش او، ۴- وصایا، ۵- وظایف آحاد مردم در قبال دارنده منشور، ۶- خاتمه منشور» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۳۶۹-۳۶۶).

در این بخش، چهار منشور دیوانی مشهود است که عبارتند از: منشور آیات و ولایت خود به فرزند اکبر ولایت فارس (۱۶۹آ)؛ منشور ازدیاد سیورغال (۷۲ب)؛ منشور وزارت (۱۷۵آ) و منشور قضای ممالک (۱۷۷آ). منشورهای مذکور در صحایف اللطایف، بسیار مفصل و مبسوطند. ذیلاً ساختار منشور نخست، بررسی می‌شود:

۱- مقدمه منشور به بیان جایگاه رفیع پادشاه و ذکر نعمت سلطنت و بیان عنایت الهی در حق سلطان می‌پردازد (۱۶۹آ).



۲- سمرقندی در این رکن بر لزوم شکرگزاری نعمت سلطنت به خدای تعالی و ادای حق مردم مبنی بر نصب کارگزاری عادل (فرزندش) که مدبر بر امورات آنهاست، تأکید می‌کند؛ منشور از زبان پادشاه و از ناحیه او نگاشته شده است و شکرگزار هم شخصی جز سلطان نیست: «به شکرانه این درجه شرفی که خورشید وجود ما را در نوروز جهانبانی و نوبهار کامرانی عنایت فرمود... بر ما فرض عین است که اول مردم دیده را به تضرع و نیاز بر خاک راه درگاه پادشاه بنده نواز نهیم... و در هر ولایت... قره‌العینی نصب فرماییم...» (۶۹ب).

۳- در رکن سوم بعد از بیان تمهید و چرایی و ضرورت این انتصاب، به گماشتن فرد مورد نظر اشاره می‌کند: «بنابراین رای عالم آرا که مؤید به تأییدات آسمانی است چنان اقتضا فرمود... که پایه قدر و منزلت او را از اوج جوزا و ذروه ثریا گذرانیم و مملکت فارس اعالی اساسی معالی کریاس را مع سعة ارجائها و بسطة انحائها به جانب فرزندی تفویض فرمودیم و تمام مهام و سرانجام مصالح خواص و عوام آن ولایت وسیع را به نوات دیوان آن فرزند سعادت‌مند رجوع نمودیم» (۱۷۰آ).

۴- وصایا: این رکن، مهم‌ترین و مفصل‌ترین بخش منشور است و به توصیه‌های پادشاه که ناظر به اداره ولایت و نحوه رفتار با ابناء مختلف جامعه است، می‌پردازد. توصیه‌ها به دو گونه قابل طبقه‌بندی است: دسته اول، امور حکومتی و قواعد مسلوک و پذیرفته شده است که در حکم قانون اساسی آن حکومت پادشاهی است و فرد منصوب باید نسبت به اجرای آنها تعهد و التزام باشد؛ دسته دوم، توصیه‌هایی است که نوعاً جنبه اخلاقی و تعلیمی داشته، ناظر به نحوه رفتار و معاملت نیک سیرتانه منصوب با جامعه و زبردستان وی است. آموزه‌های مذکور غالباً ایجابی و برخی نیز سلبی اند. ذیلاً به این موارد پرداخته می‌شود:

- توصیه به گماردن افراد کاردان و پرهیز از نصب افراد نالایق (۷۰ب).

- توصیه به گماشتن منهبیان صادق در اطراف مملکت و توجه به گزارش آنها و دادرسانی به ستمدیدگان و توجه به احوال مظلومان و دستگیری از آنها (۱۷۱).

- بخش نسبتاً مفصلی از آموزه‌ها به چگونگی معاملت و رفتار با اقشار مختلف جامعه اختصاص دارد؛ طبقاتی مانند سادات، علما، مشایخ، دهاقین و اشراف و ثروتمندان. این توصیه‌ها نشان‌دهنده جایگاه خاص اجتماعی هر یک از این طبقات است:

سمرقندی از ناحیه پادشاه فرد منصوب را به رعایت احترام و تکریم سادات توصیه می‌کند. جایگاه طبقه اجتماعی سادات در مناشیر روزگار ایلخانی و تیموری حائز اهمیت است. البته رویکرد سمرقندی در این دستور، نمایانگر تمایلات شیعی است (۷۱ب).



در خصوص **علماء** نیز به صورت مجزا فرمان‌هایی بیان شده است: «علماء ربانی که مشاعل نورانی اند... انعام آن زمره کرام از انقد وجوه توجیه باید نمود...» (۷۱ ب).

سمرقندی هم‌چنین التزام به **حُسن سلوک** با **مشایخ** را مطمح نظر داشته، منصوب را بدان فرمان می‌دهد (۷۱ ب و ۱۷۲).

طبقه اقتصادی-اجتماعی **دهاقین** نیز از نظر کاتب به دور نمانده است؛ سمرقندی حاکم را به برخورد عادلانه و مشفقانه با ایشان سفارش کرده، فرمان می‌دهد که با سختگیری بر آنها، بنیاد وجودی‌شان را محو و نابود نگرداند، چراکه این گروه، بنیان مالی و اقتصادی جامعه و سلطنت را به دوش می‌کشند (۱۷۲).

سمرقندی هم‌چنین به رعایت عدل و انصاف و **حُسن خلق** با اکابر و **اشراف** مملکت توصیه کرده است (۷۲ ب).

گشاده‌دستی در پرداخت وجوهات **لشکریان** و حمایت از آنها نیز از فرمان‌های مهم نظامی است که به کارگزار شده است: «دایره‌داران لشکر را که از دوایر تنگ‌های سرخ و سفید چندان مالشان رساند که پرگار سپهر دوار را دوران آن سودا حیران و سرگردان گرداند...» (۱۷۲).

یکی از فرمان‌های سلبی جنبه مالی دارد؛ پادشاه ضمن دستوری دیگر به کارگزاران دیوان استیفا مثال می‌دهد تا از رعایا مالیات‌های ظالمانه نستانند: «و نَوّاب جناب فرزندی در وقت مطالبات مال و بروات اطلاقات به تحمیلات مالایطاق خواطر مجروح رعایا نخراشند و عمّال اموال پیش از ادراک محصول نطلبند و نستانند و به توجیّهات ناموجه به هیچ وجه تعرض نرسانند، می‌باید که در جمیع امور از طریق سلوک جمهور عدول ننماید...» (۷۲ ب).

-بخش دیگری از وصایا، از جنبه اخلاقی و تعلیمی برخوردارند که ریشه در قرآن، روایات و اخلاق اسلامی دارند. این توصیه‌ها ناظر به عفو و بخشایش و اغماض از تقصیرات و رعایت عدل و برابری در ادای حقوق زیردستان است:

سفارش به عفو و بخشایش حتی المقدور در هنگام سیاست راندن و مجازات: «و هنگام سیاست از عین عفو و راء راحت چشم و ابرو سازد...» (۷۱ ب)؛ حتی این توصیه با تأکید بیشتر به دشمن تسلیم شده نیز تعمیم داده شده است: «و هرگاه دشمن دولت در پناه رحمت درآید... از زحمت و آسیب ایمن گرداند و به هیچ وجه از حدّت تیغ بی‌دریغ آن مستمند را گزند نرساند» (۷۱ ب).



-توصیه مؤکد بعدی پای‌بندی به رعایت عدل و مساوات در برخورد با رعایاست: «... و بارگاه سلطنت ما را به اوتاد ارشاد و عماد امداد عدل ثابت و مستحکم گرداند تا عامه رعایا و کافه برایا در پناه سایبان ظل‌الله آسایشی روی نماید... طنطنه کرسی عدل یا آوازه به حدی بلندگرداند که از غلغله آن نوشیروان از خواب آید به صد نشاط و انبساط برخیزد و زلزله عنف ظلم را چنان به تحت‌الثری رساند که با عهد ضحاک پای پس‌گریزد...» (۷۰ب).

-عدم توجه به سخن‌غمازان و اعتماد به راستکاران نیز از جمله وصایای اخلاقی است: «و به سخن‌ساعی قلاب فریب‌نخورد و کافی راستکار را که زر خالص باشد... حق خدمت او را غنیمت شمرد...» (۷۰ب و ۱۷۱آ).

۵-دعای پایانی منشور به عربی و نسبتاً طولانی است: «کتب بالامر العالی اعلاه الله المتعالی و خلد لقاؤه فی مشارق الممالک و المغرب الممالک و لازال مطاعاً فی رقاب السلاطین و مستعلیاً علی رؤوس صنادید العرب و الصین» (۷۲ب).

لازم به توضیح است که در منشور بررسی شده به وظایف آحاد مردم در قبال فرد منصوب پرداخته نشده و منشور با دعای پایانی، خاتمه یافته است.

۲-۳- نسخه‌های اثر

اثر سمرقندی در حیطه ترسل و انشا، به دو عنوان دستورالانشاء و صحایف اللطایف موسوم شده است. در فهرس نسخه‌های خطی، سه نسخه خطی از این کتاب به شرح و مشخصات ذیل موجود است:

۱- نسخه آستان قدس رضوی: به شماره ۹۶۷۴، خط نستعلیق، بی‌کا، کتابت قرن نهم، کاغذ الوان، جلد تیماج، ۲۱ سطری. (درایتی، ۱۳۹۰: ۵۶۸/۱۴). ۱۲۷ برگ.

در این نسخه چهار بخش قابل تفکیک (به لحاظ ساختار و محتوای متن و افتادگی صفحات) از هم وجود دارد:

۱- بخش اول که دربرگیرنده متن دستورالانشاء سمرقندی است.

۲- بخش دوم که آغاز متن صحایف اللطایف سمرقندی است.

دو بخش فوق‌الذکر از اوراق ۲ تا ۸۳ ب نسخه آستان قدس رضوی را شامل است.

۳- از بخش سوم نسخه آستان قدس چنین برمی‌آید که احتمالاً اثری مجزا باشد. آغاز و انجام این بخش از متن افتاده است. این بخش از اوراق ۸۵ تا ۹۶ آ (از ابتدا و انتها ناقص) را دربرمی‌گیرد. مکتوبات رسمی و غیررسمی همراه با اجوبه در این اوراق آورده شده است. صفحات آغازین متن حاضر دیباچه‌مانند است؛ در دیباچه اثر به ذکر سفر بیست ساله مصنف به شام و مصر برای کسب علوم دینی و معرفت اشاره شده است (۸۵ب). در این بخش



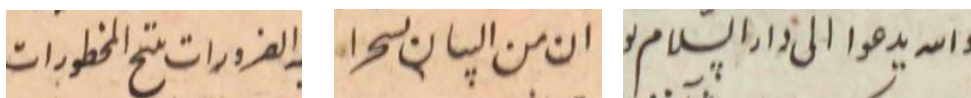
نامه‌های غالباً اخوانی و گاه رسمی نوشته شده است. با عنایت به اینکه برخی اعلام تاریخی متن در مطلع سعدین هم آمده است، می‌توان احتمال داد که اثر مربوط به همان روزگار سمرقندی باشد. نهایتاً باید یادآور شد که قرینه‌ای روشن و قطعی برای شناخت مصنف و عنوان اثر در این صفحات (۸۵-۹۶ آ) وجود ندارد.

۴- بخش چهارم در بردارنده قسمتی از منشآت شرف‌الدین علی یزدی است.^۲ اوراق این بخش از برگه ۹۷ آ تا ۱۲۲ ب را در برمی‌گیرد و با عنوان مجزای «من انشاء حضرت المخدوم مولانا شرف‌الدین علی» آغاز می‌گردد.

برخی ویژگی‌های رسم‌الخطی نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی:

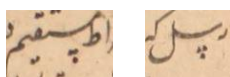
- حرف اضافه به، به صورت ب و متصل به کلمه مابعد نوشته شده است: بقلم، بعیون، باقتضاء.

- عبارات عربی اعم از آیات و روایات و سایر موارد با همان قلم اصلی متن (نستعلیق) و بدون حرکت‌گذاری کتابت شده است:



- ذیل حرف س، در

برخی مواضع سه نقطه کتابت شده است:

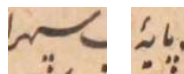


- نقطه‌گذاری‌ها در برخی کلمات کامل و دقیق نیست:

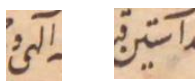


- همزه پایانی در برخی کلمات به صورت ی کوچک کتابت شده است: آیینه، پایه، سایه.

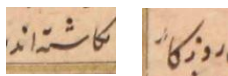
- حرف پ به صورت کامل و با سه نقطه ذیل آن کتابت شده است:



- نشانه مدّ در برخی واژه‌ها کتابت شده است:

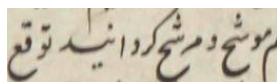


- حرف گ، به صورت ک کتابت شده است:





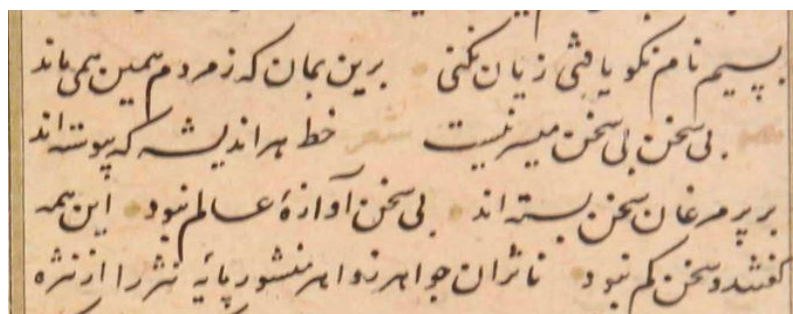
- نشانهٔ تشدید در برخی واژه‌ها کتابت شده است و در غالب موارد نیز رعایت نشده است:



نمی‌کند، در برخی موارد منظم

- کتابت اشعار و ابیات از نظم بصری خاصی پیروی

و در بیشتر موارد نامنظم است:



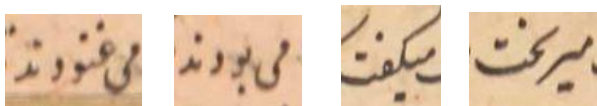
- حرف چ به صورت ج کتابت شده

است:

- قبل از ذکر ابیات، واژه‌های نظم،

شعر، بیت و پیش از مصاربع، مص کتابت شده است.

- می‌پیشوند استمرار فعل به هر دو صورت متصل و منفصل از مادهٔ فعل کتابت شده است:

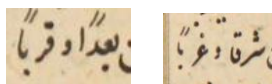


- فعل است، غالباً به صورت مخفف کتابت شده است: مأثورست، منست و در برخی مواضع به صورت کامل:

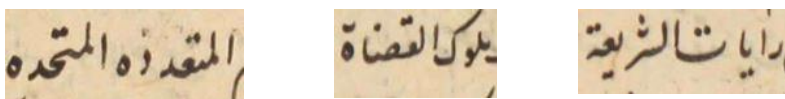
چنین است، نزدیک‌تر است.

عناوین و نشان‌ها با رنگ‌های شنگرف، آبی و طلائی کتابت شده است.

- نشانهٔ تنوین در برخی واژه‌ها کتابت شده است:



در واژه‌های مختوم به تأنیث گاه کتابت صحیح رعایت شده است و در برخی واژه‌ها خیر:





۲- نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: شماره ۲۴۶۴/۴۴، خط نستعلیق، بی‌کا، کتابت قرن یازدهم، کاغذ سپاهانی، جلد تیماج مشکى، ۳۱ ص (۵۷۰-۶۰۰)، سطور چلیپایی. (درایتی، ۱۳۹۰: ۵۶۸/۱۴). این نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد و فقط تا بخشی از متن دستورالانشاء را دربردارد. نسخه دستورالانشاء در یک مجموعه و در حاشیه هر صفحه کتابت شده است. عبارات عربی به خط نسخ و به صورت مشکول در متن نسخه کتابت شده است. عناوین و نشان‌ها با رنگ شنگرف کتابت شده است.

۳- نسخه کتابخانه ملی ایران: شماره بازیابی نسخه: ۵-۱۰/۳۱۱۷۴، عنوان و نام پدیدآور: دستورالانشاء [نسخه خطی] / عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی، مشخصات ظاهری: گ ۸۰ ب - ۱۰۱ ب (۲۳۲) برگ، ۲۳ سطر: ۲۹۰ × ۱۶۰، قطعه: ۲۴۰ × ۱۶۰.

آغاز: بسمله. رب یسر بکرمک یا کریم فتح صحایف انشاء و ابداع و شرح لطایف املا و اختراع حمد و ثنای منشی بر کمال که بر قلم زرین مثال هلال از دوات زرحل آفتاب ارقام اقسام فضایل اولوالالباب بر کتابه قصر زرنگار گردون بفتون ن و القلم و ما یسطرون می نگارد ... اما بعد چنین گوید فقیر حقیر طالب مکارم اخلاق سرمدی عبدالرزاق ابن اسحق السمرقندی... انجام: ... تا اصحاب انتباه و زمهره صاحب‌دولتان آگاه فمّن عفی و اصلح و اجره علی الله باشند شعر اگر بسهو و خطا رد کنند سلطانند * و گر قبول فتد می توان نمود اصلاح / اگر چه لطف سخن را نهایتی نبود * ولیک رونق و حسن ذکر فرود اصلاح؟ هداانا الله تعالی سبیل النجات و دلیل النجاح و رزقنا طریق الفلاح و رفیق الصلاح آمین و ایاکم اجمعین... نوع و درجه خط: نستعلیق. نوع کاغذ: فرنگی. تزئینات متن: عناوین و نشان، خطوط بالای برخی کلمات و عبارات به سرخی. نوع و تزئینات جلد: مقوایی، روکش تیماج قهوه‌ای دارای جداول ضربی، اندرون جلد آستر آبی رنگ. (کتابخانه ملی ایران) تاریخ کتابت نسخه قید نشده است.

در نوشتار کنونی نسخه خطی آستان قدس رضوی برای بررسی و تحقیق دستمایه پژوهش قرار گرفته است. ارجاعات به نسخه رضوی نیز بر مبنای شماره برگ‌ها تنظیم شده است.

۳- نتیجه‌گیری

نتایج مستفاد از پژوهش فهرست‌وار به قرار ذیل است:

۱- اثر مذکور در شمار آثار موزّخ و منشی معروف عصر تیموری، عبدالرزاق سمرقندی است که تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است.

۲- عنوان اثر به دو صورت دستورالانشاء و صحایف اللطایف در منابع ثبت شده است.

۳- سه نسخه خطی اثر در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مرکزی دانشگاه تهران و ملی ایران موجود است و



متقدم‌ترین آنها نسخه‌آستان قدس رضوی مکتوب در قرن نهم قمری است.

۴- ساختار متن مبتنی بر دو بخش مجزاست: بخش اول موسوم به دستورالأنشاء و مبین مبانی نظری و آموزشی ترسّل و انشای دیوانی است و در حکم یک اثر آموزشی به شمار می‌آید. مصنف در این بخش به بیان خصایص کاتبان، آداب دبیری، ادوات کتابت، نحوه نگارش و قواعد خط و استنساخ و تبیین خصایص معنوی و بلاغی کلام پرداخته است. برخی باورهای عامه و مذهبی نیز در شمار قواعد انشاء طرح و ارائه شده است.

۵- بخش دوم اثر، به عنوان صحایف اللطایف نامیده شده است و مشتمل بر هفت فتحنامه و چهار منشور است. این نامه‌های دیوانی اهمیت تاریخی داشته، در حکم الگوهای عملی انشای رسمی و سلطانی محسوب می‌شوند.

۶- ویژگی مهم مکتوبات در بخش دوم اثر (صحایف اللطایف)، اطناب و عبارت پردازی‌های منشیانه همراه با تکلفات و تصنعات ادبی بسیار است.

۷- آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی در هر دو بخش متن مشاهده می‌شود. در بخش نخست این آموزه‌ها خطاب به کاتبان و دبیران است و به نوعی اخلاق حرفه‌ای دبیری را به این صنف گوشزد می‌نماید. در بخش دوم، آموزه‌های تعلیمی در ضمن نگارش مکتوبات و خطاب به فرد منصوب شده و نیز احاد جامعه نگاشته شده است.

۸- نثر دستورالأنشاء مصنوع و متکلف است و ادامه سنت نثرنویسی مصنوع منشیان دیوانی در عصر تیموری به شمار می‌آید.

۹- در نهایت باید خاطر نشان ساخت که عبدالرزاق سمرقندی از کاتبان فاضل عصر و ادامه‌دهنده جریان سنتی و رایج کتابت و انشا در روزگار خویش است؛ چراکه شیوه‌ها، قواعد و ساختارهای نویسندگی را دقیقاً و مطابق سنن کهن این صنعت مدنظر داشته است

یادداشت‌ها

- ۱- برای مطالعه در باب احوال مصنف به منابع ذیل رجوع شود:
- حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، جلد: ۴، صفحه: ۳۳۵.
- روضات الجنات فی أوصاف مدینة هرات، جلد: ۲، صفحه: ۴۰۷.
- مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد: ۱، صفحه: ۱۲.
- تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، صص ۵۱۴-۵۱۰.
- فرهنگ جامع تاریخ ایران، جلد: ۲، صفحه: ۵۸۳.



- ۲- لازم به ذکر است که منشآت یزدی به اهتمام مرحوم استاد ایرج افشار با همکاری ابویی مهریزی منتشر شده است.
- ۳- نام وی در منابع تاریخی عصر مصنف (حبیب‌السییر، ج ۴: ۴۱، روضة‌الصفاء: ۱۷۰، زبدة‌التواریخ، ج ۳: ۲۰۹ و مطلع سعدین، ج ۲: ۶۰۳) **خواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی** ذکر شده است.
- ۴- برای مطالعه و مشاهده نمونه‌های بیشتر در این خصوص رجوع شود به مقاله «بازتاب باورهای عامه در کتابت و انشاء»، نشریه ادب و زبان (نثرپژوهی ادب فارسی)، شماره ۳۵. صص ۱۴۳-۱۱۹.
- ۵- اشاره دارد به روایت منقول از نبی مکرم اسلام (ص): «تربوا الكتاب فانه انجح للحاجة» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۳۹۴/۲).

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.

منابع و مأخذ

- ۱) ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۳۶۲). الخصال. جلد ۲. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- ۲) ابوالرجا قمی، نجم‌الدین. (۱۳۶۳). تاریخ الوزراء. تصحیح محمدتقی دانش پژوه. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ۳) اسفزاری، معین‌الدین محمد. (۱۳۳۸). روضات الجنات فی أوصاف مدینة هرات. جلد: ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴) جهانشاهی افشار، علی و جهادی حسینی، سید امیر. (۱۳۹۳). «بازتاب باورهای عامه در کتابت و انشاء». نشریه ادب و زبان (نثرپژوهی ادب فارسی). شماره ۳۵. بهار و تابستان ۱۳۹۳. صص ۱۴۳-۱۱۹.
- ۵) خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). فن نثر در ادب پارسی. تهران: زوآر.
- ۶) خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السییر فی اخبار افراد بشر. به اهتمام محمد دبیرسیاقی، مقدمه: جلال‌الدین همایی. جلد: ۴. تهران: خیام.
- ۷) دانش‌پژوه، محمد تقی. (۱۳۵۰). «دبیری و نویسندگی (۵)». مجله هنر و مردم. شماره صد و ششم. اسفند ماه. صص ۴۷-۴۰.
- ۸) درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). جلد ۱۴. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.



- ۹) سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق. (بی‌تا). دستورالانشاء. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۶۷۴.
- ۱۰) سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق. (بی‌تا). دستورالانشاء. نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۲۴۶۴/۴۴.
- ۱۱) سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق. (۱۳۷۲). مطلع سعدین و مجمع بحرین. جلد ۱. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۲) صالحی، نصرالله. (۱۳۸۰). «کتابشناسی توصیفی منشآت، مکاتبات و نامه‌ها». کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. دی و بهمن. صص ۱۵۲-۵۵.
- ۱۳) صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات در ایران. جلد ۴. تهران: فردوس.
- ۱۴) قدیانی، عباس. (۱۳۸۷). فرهنگ جامع تاریخ ایران. جلد ۲. تهران: آرون.
- ۱۵) قربان نژاد، پریسا. (۱۳۸۸). «فتح نامه نویسی (در ایران و اسلام)». مجله فرهنگ. پاییز. شماره ۷۱. صص ۱۷۹ تا ۲۱۶.
- ۱۶) مردانی، فیروز. (۱۳۷۷). «ترسل و نامه نگاری در ادب فارسی». مجله کیهان فرهنگی. آبان. شماره ۱۴۷. صص ۳۷ تا ۴۳.
- ۱۷) مهدی زاده، مهدی. (۱۳۷۸). «تاریخچه منشآت در ادب فارسی». مجله کیهان فرهنگی. مرداد. شماره ۱۵۴. صص ۶۴-۶۷.
- ۱۸) نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر. (۱۳۸۰). چهار مقاله. تصحیح علامه قزوینی، تصحیح مجدد دکتر محمد معین. تهران: جامی.
- ۱۹) واحد، اسدالله. (۱۳۷۸). «ترسل و انشای فارسی از آغاز تا قرن ششم». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. پاییز. شماره ۱۷۲. صص ۱۲۱ تا ۱۶۶.

منابع مجازی:

۱) [تارنمای کتابخانه ملی ایران:](https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=6204820&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author)

[https://opac.nlai.ir/opac-](https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=6204820&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author)

[prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=6204820&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author](https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch.do?command=FULL_VIEW&id=6204820&pageStatus=1&sortKeyValue1=sortkey_title&sortKeyValue2=sortkey_author)



پیوست‌ها:



تصویر ۱: برگه نخست نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی



تصویر ۲: برگه نخست نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران